



مهدی جواد آشتیانی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

به طور طبیعی و بهنجار زمانی که جوامع شکل گرفته و از ساخت سرشتین خویش برخوردار می‌شوند گونه‌ای عادت و آشنایی و تعلق خاطر به ترکیب سازنده ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد. هرچند ممکن است جوامع در مراحل آغازین شکل‌گیری از ترکیبی ناهمسان از افراد و تیره‌های گوناگون پیرامون یک محور مشترک ایجاد شوند، ولی با گذشت زمان و آشنایی و نزدیک شدن اجزای گوناگون در ساختار اجتماعی یادشده افراد به یکدیگر عادت کرده و دیگر حس بیگانگی و ناآشنایی نخواهندداشت.

پس از این گذر تاریخی وساخت یافتن نظام اجتماعی، هرگونه تغییر در ترکیب اجتماعی و به وجود آمدن تکثر ممکن است به دلایل مختلف ایجاد نارسانی کند. گوناگونی مورد اشاره در دو گستره نمایان خواهد شد. گستره نخست تغییر ترکیب جمعیتی جامعه خواهد بود. بدین معنی که ترکیبی از افراد با نژاد، باور یا طبقه متفاوت به جامعه موردنظر اضافه شود. در چنین حالتی جامعه از حالت یکنواختی خارج شده ونظام اجتماعی شناخته شده که دارای فرایندهای مشخصی است که به عادت واره تبدیل شده اند با مواردی ناآشنا روبرو می‌شود که برای آن برنامه ریزی ویژه ای نداشته است. ولی ایجاد تنوع در جامعه گاه به شکل دیگری نمایان می‌شود. در این حالت نسل های جدید و تازه نمود یافته نظام اجتماعی در نوع رفتار و کنش های خویش رفتاری متفاوت از سنت مرسوم، طبیعی و تاریخی نظام اجتماعی را بروز می‌دهند. در چنین حالتی می‌گوییم که جامعه با تکثر و تنوعی در کنش ها و رفتارها مواجه شده است. اکنون مسئله مهم و بنیادین و چالش اساسی در این است که آیا تنوع و تکثر حاصل از هر دو شیوه سویه ای منفی داشته یا می‌توانند رویکردی توسعه بخش را به وجود آورند. اختلاف نظر در میان کارگزاران در پاسخ به همین چالش مطرح می‌شود. به طور مرسوم در نگاه کارگزاران سنتی و ایستا که رویکردهای پیشرو را نمی‌پسندند و ترجیح می‌دهند در روند معمول و مرسوم خویش حرکت کنند، هر گوناگونی و تکثری فراتر از روند طبیعی مزاحم بوده و در مسیر برنامه ریزی و عملیات ایشان ایجاد آشفتگی می‌کند. این گروه از مدیران دوست دارند که شرایط و مسائل را بر بنیاد روش های مرسوم و همیشه آزمون شده خویش دنبال کنند. آشکار است که چنین رویکردی به طور بنیادین و کلی تکثر را به رسمیت نشناخته و از سازوکارهایی که در ایجاد تنوع دخالت دارند دوری می‌کنند. در ظاهر ممکن است این رویکرد سنتی درست به نظر رسد. آن هم با این استدلال که چرا زمانی که یک جریان به ثبات رسیده است با ورود متغیرها و عوامل دیگر، نظم ایجاد شده و کارکرد طبیعی نظام را دچار اخلال کنیم.

پاسخ به این ابهام زمانی معنادار خواهد بود که بتوان درک درستی از تکثر داشت و به این تشخیص رسید که چه گونه ای از تکثر می‌تواند در روندهای مرسوم ایجاد آسیب کند. تکثر زمانی که بر بنیاد نظام ارزشی یا بنیاد اصلی شکل گیری جامعه ایجاد شود می‌تواند نقشی محرک و تقویت کننده در برون دادهای اجتماعی و عاملی در تحقق آرمان های پایانی جامعه باشد. در واقع تکثر چه در درون جامعه به وجود آمده باشد و چه به دست یک عامل بیرونی به جامعه وارد شده باشد تنها زمانی می‌تواند سودمند واقع شود به پیشبرد اهداف کمک کند که هماهنگ و بر مدار ارزش های مرکزی جامعه حرکت کند. تصور کنید در یک شهر که به مرور زمان بافت فرهنگی و اجتماعی ویژه خویش را ساخته و بر پرگار ه قدرت حاصل از این سیستم هماهنگ شده کار کند به دلیل یک رخداد اقتصادی یا سیاسی ملی یا جهانی یا ورود حجم انبوهی از مهاجران داخلی یا خارجی مواجه شود. در چنین شرایطی تنوع جمعیتی، نژادی و حتی دینی ایجاد شده در کارکرد اجتماعی شهر مورد نظر ایجاد اخلال خواهد کرد یا خیر؟

نکته بنیادین این است که تنوع چنانچه در مدار رویکردهای سیاست گذارانه و رصد و پایش مرکزی کارگزاران جامعه نباشد می‌تواند در روابط اجتماعی پیرشانی و تعارض ایجاد کند، ولی گوناگونی می‌تواند زمینه ساز نوآوری و بهره بیشتر از ایده های جدیدتر در استفاده از منابع، تحول در فرایندها و خروجی های به روزتر باشد. این امر زمانی محقق می‌شود که تنوع برخلاف بنیادهای ارزشی جامعه قرار نگیرد، بدین معنی که تنوع و تکثر در خدمت ارزش های جامعه باشد. در چنین حالتی تکثر به معنای استفاده از حداکثر ظرفیت ها برای حرکت روبه جلوی بیشتر جامعه است. این وضعیت تنها زمانی در حالت ایده ال اجرا می‌شود که کارگزار به تکثر معتقد باشد و به جنبه های مثبت آن توجه کند. توانایی مهار و مدیریت عوامل تکثر را داشته باشد، با سیاست ها و بیانیه ارزش های کلان جامعه انطباق یابسته را انجام داده و تنها مواردی را مورد تأیید قرار دهد که در مدار نظام ارزشی باشد.

آشکار است که همه این فرایند نیازمند بر خور داری از دانش فرهنگی، تسلط به سیاست گذاری، رویکرد میان رشته ای و به کار گیری رویکردهای آینده پژوهانه است.

مراسم نکوداشت استاد «مویّد» در مشهد برگزار می‌شود



شهرآرا: مراسم نکوداشت استاد «سیدرضا مؤید خراسانی» به همت بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) با حضور شاعران و مداحان برجسته کشور در مشهد برگزار می‌شود. این مراسم چهارشنبه ۲۷ مهرماه ساعت ۱۸ در تالار نور واقع در خیابان آبکوه مشهد برگزار خواهد شد.

این برنامه به همت بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) و با مشارکت مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی، کانون مداحان و شاعران آئینی، اداره کل اوقاف و امور خیریه مشهد و حوزه مقاومت بسیج شورای شهر مشهد برگزار می‌شود. مرحوم استاد مؤید سال ۱۳۹۷ از سوی بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) به‌عنوان خادم نمونه فرهنگ رضوی معرفی شده بود.

هم‌زمان با هفته خوش نویسی در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی صورت گرفت

رونمایی از «تذکره الخطاطین» میرزا سنگلاخ خراسانی



میرزا احمد نیریزی و دیگر خوش نویسان معروف دوره صفوی تا قاجار مزین است.

هروی در سال ۸۴۵قمری نوشته شده، یکی دیگر از آثار نفیس گنجینه رضوی محسوب می‌شود. این اثر نفیس به‌صورت نسخه‌برگردان نیز منتشر شده است.

صدقت حسینی گفت: مناجات نامه حضرت علی(ع) به خط میرعلی هروی موجود در گنجینه

رضوی که قدمت آن به‌قرن دهم قمری برمی‌گردد نیز در سال ۱۲۸۷ به‌صورت نسخه همانندسازی شده منتشر شده است.

وی افزود: همچنین می‌توان به‌وقف‌نامه املاک شاه‌سلطان حسین صفوی که به خط نسخ احمد نیریزی در سال ۱۲۹۹ قمری کتابت شده است اشاره کرد.

این کارشناس نسخ خطی و چاپ سنگی از مرقع شماره ۵۸۰۳، به‌عنوان نفیس‌ترین مرقع کتابخانه آستان قدس رضوی نام برد و افزود: این مرقع دارای ۱۲۳ برگ و خط شبیه به یک سناریوی هروی، میرعماد حسنی،

است. این مرقع ۲۱۰ برگ دارد، چنان که حدود ۲۱۰ مرقع نفیس در این گنجینه نگهداری می‌شود. صداقت حسینی با تأکید بر استفاده هنرمندان از مرقع برای ماندگاری آثار خوش نویسی افزود: نهج البلاغه

یاقوت مستعصمی که در سال ۷۰۱ قمری در ۲۳۹ برگ به خط نسخ کتابت شده است قدیمی ترین مرقع کتابخانه آستان قدس رضوی به‌شمار می‌آید. وی درباره دیگر مرقعات نفیس گنجینه رضوی گفت: قرآن بایسنغر میرزا در ۱۵ برگ از جمله این آثار است که هشت

برگ این قرآن نفیس دوره تیموری در موزه قرآن حرم مطهر رضوی و ۷ برگ دیگر آن در کتابخانه این آستان مقدس نگهداری می‌شود.

این کارشناس نسخ خطی ادامه داد: همچنین اثر نفیسی که به‌خط نستعلیق ممتاز سلطان علی مشهدی، خوش نویس برجسته دوره تیموری، در سال ۸۸۹ قمری کتابت شده، در این گنجینه قابل بررسی است.

وی اضافه کرد: قرآن مشهور به «قرآن سلطنتی»، که توسط عبدا... طباطباهره فرهنگ و ادبیات اگر رفتار شدن در حلقه افکار بی‌ثمر حس ناخوشایندی دارد و اگر به درستی نتوانیم میان افکار خود تمایز و اولویت ایجاد کنیم احتمالاً افکار شبیه به باری غیر قابل حمل می‌شود که جز استرس و اضطراب، کاری در مقابلشان نمی‌توانیم انجام دهیم. درباره همین موضوع با فاطمه ضیاءتوحیدی، مترجم کتاب «زیاد فکر نکنید» اثر آن بوکل گفت وگویی انجام دادیم. توحیدی درباره انگیزه‌های ترجمه کتاب گفت: آن زمانی که به دنبال کتاب جالبی برای ترجمه بودم به این کتاب برخورددم. در اطراف ما همواره یک سری افرادی هستند که تصمیمات زیادی می‌گیرند و به سختی تلاش می‌کنند کاری انجام دهند؛ ولی معمولاً به نتیجه‌ای نمی‌رسند. همه ما با این افراد رو به‌رو شده‌ایم. افرادی که قصد دارند کارهایی عالی انجام دهند؛ اما موفق نمی‌شوند. وی افزود: وقتی این کتاب را خواندم فهمیدم که این اثر می‌تواند برای این دسته از افراد که مشکلاتی در تصمیم‌گیری دارند، مفید باشد. موضوع این کتاب روش‌هایی است که تصمیم‌گیری را برای افراد آسان می‌کند؛ قانون‌ها و قواعدی که افراد به صورت شخصی می‌توانند برای خودشان وضع کنند. توحیدی بیان کرد: همچنین این کتاب به کارهایی اشاره می‌کند که نباید به آن‌ها پیردازیم. خانم آن بوکل

است که همین روزها احتمالاً آماده ویرایش و چاپ می‌شود.

توحیدی گفت: در کتاب «زیاد فکر نکنید» یک سری تمرین‌ها و مطالب مفید وجود دارد برای افرادی که مدام دچار نشخوارهای ذهنی می‌شوند. کتاب توصیه می‌کند هر فردی برای تصمیم‌گیری‌های خود قواعد و قوانینی را وضع کند و به ارزش‌گذاری افکار خود بپردازد.

افراط در فکر کردن بیشتر در زمان‌هایی است که انرژی ذهنی خود را صرف چیزهایی می‌کنیم که ارزش آن را ندارند. زمان‌هایی که به نظر می‌رسد نمی‌توانیم به چیز دیگری فکر کنیم. زیاد فکر کردن اشکال مختلفی دارد. گاهی شبیه به یک نگرانی ساده است و گاهی ممکن است شبیه به یک سناریوی پیچیده و ترسناک به نظر برسد.

آن بوکل در کتاب «زیاد فکر نکنید»، در ۱۴ فصل به جنبه‌های مختلف افکار و پیامدهای زیاد فکر کردن اشاره کرده است. او می‌گوید: وقتی درباره زیاد فکر کردن صحبت می‌کنیم منظورمان فکر کردن به نیازهای اساسی مثل داشتن جای خواب یا به‌دست آوردن وعده‌های غذایی بعدی‌مان نیست. در اینجا قصد داریم درباره تصمیم‌های مهم زندگی مثل تغییر شغل یا پایان دادن به رابطه با نقل مکان به جایی دیگر صحبت کنیم.

تلقی می‌شود و به‌مانند که برخی از این تغییرات تقریباً ناممکن است و گناهی نابخشودنی. در بسیاری از سازمان‌ها، نامه‌نگاری‌های اداری باید منطبق با سلیقه و پسند مدیران آن سازمان نوشته شود؛ فارغ از درستی یا نادرستی نگارشی آن!

بنابراین، چاره‌ای نداریم جز اینکه به یک شیوه‌نامه صحبت برسیم. رسیدن به شیوه نامه یکسان بسیار سخت و دشوار، اما شدنی است؛ البته منظور از شیوه‌نامه یک‌دست، ویرایش و نوشتن در حوزه ویرایش صوری، فنی و دستورخط است و ویرایش محتوایی و زبانی و دستوری بحثی جداست.

این اتفاق باعث می‌شود که آسیب‌ها در حوزه نگارشی، ساخت واژگان، هنجار زبانی، آیین نگارش و... دوچندان شود و نوعی غلط نویسی را در جامعه گسترش دهد.

از صداوسیمان باید به سادگی گذشت. صداوسیمما با وجود داشتن چند شبکه، خودش به رویه و شیوه یکسانی نرسیده است و در هر شبکه با سلیقه و دلخواه تهیه‌کننده برنامه، شیوه‌ای خودساخته و خودخواسته اعمال می‌شود که گاه کاملاً با شبکه‌های دیگر در تضاد است. (درباره غلط‌های ویرایشی صداوسیمما چه در گفتار و چه در نوشتار، در مطلبی دیگر مفصل خواهم نوشت.) این چندگونگی شیوه‌نامه‌ها در نظام اداری نیز وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که برای هر سازمان نهادودر سطح وسیع تر وزارت خانه‌ها و قوای سه‌گانه، شیوه

علیرضا حبیبی روزنامه نگار و مدیر نشر آستان قدس رضوی



علیرضا حبیبی روزنامه نگار و مدیر نشر آستان قدس رضوی

و البته بزرگ‌ترین آسیبی که می‌زند، این است که دانش آموزانی که شیوه‌ای مشخص را آموخته‌اند، وقتی با پرشماری و پراکندگی شیوه‌نامه‌های نگارش روبه‌رو می‌شوند، به اصل ماجرا شک می‌کنند و برای درست نوشتن دچار سردرگمی می‌شوند و چه بسا اصل آن را به شیوهی بگیرند و در نتیجه، بی‌توجهی به آن باعث می‌شود، درست‌نویسی کیمیایی کمیاب شود و صد البته خلخته‌نویسی جای آن را بگیرد.

و مشکل بدتر این است که گاه کتابی نوشته و ترجمه می‌شود که ممکن است، همان مترجم یا نویسنده، خودش هم ناشر باشد و با هزینه شخصی آن را چاپ کند که کتاب داوری نمی‌شود و ویراستار هم ندارد. معمولاً ناشران کمتر شناخته‌شده این دست آثار را چاپ می‌کنند.

آن‌هایی که در تصمیم‌گیری مشکل دارند این کتاب را بخوانند



تجربه بیش از دو دهه کوشش در حوزه ویرایش و ویراستاری و درست‌نویسی به من آموخته است که مهم‌ترین مشکل در این وادی، پراکندگی شیوه‌نامه‌های ویرایشی است. ناشران، دانشگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و حتی افراد با سلیقه شخصی و اجتهادی، هر کدام شیوه دستورخطی را دنبال می‌کنند که گاه به‌شدت با هم در تضاد است. این بلبشوی نامبارک آسیب‌های فراوانی زده است که از جمله آن‌ها، سست‌شدن و نادیده‌انگاشتن اصل ویرایش است. در واقع وقتی تا این اندازه اختلاف نظر

وجود داشته باشد، حرمت و حیثیت و اهمیت موضوع ویرایش را هم خدشه‌دار می‌کند. از طرف دیگر جامعه و صاحبان قلم را هم در شیوه درست نگارش به تردید می‌اندازد و مرزهای درستی و نادرستی را به هم می‌ریزد.

دردسری به نام «شیوه‌نامه»!

و قالب مشخصی برای نوشتن نامه‌های اداری تعریف شده است که در بسیاری از این شیوه‌ها غلط‌های آشکار نحوی و دستوری و بیگانه‌نویسی دیده می‌شود. این غلط‌ها به قدری کلیشه‌شده است که گاهی حذف یا اصلاح آن‌ها، انقلابی بزرگ تلقی می‌شود و به‌مانند که برخی از این تغییرات تقریباً ناممکن است و گناهی نابخشودنی. در بسیاری از سازمان‌ها، نامه‌نگاری‌های اداری باید منطبق با سلیقه و پسند مدیران آن سازمان نوشته شود؛ فارغ از درستی یا نادرستی نگارشی آن!

بنابراین، چاره‌ای نداریم جز اینکه به یک شیوه‌نامه صحبت برسیم. رسیدن به شیوه نامه یکسان بسیار سخت و دشوار، اما شدنی است؛ البته منظور از شیوه‌نامه یک‌دست، ویرایش و نوشتن در حوزه ویرایش صوری، فنی و دستورخط است و ویرایش محتوایی و زبانی و دستوری بحثی جداست.